

تلنگر
شوکران نوش

اگر آموزش نذیده‌اید، راهی نشوید

غم‌انگیزترین بخش تلنگر امروز حادثه‌های است که سوزه‌های هشدار را دست و پا کرده است؛ زلزله‌ای با قدرت ۷/۳ ریشتر زمین‌های غرب ایران را لرزاندو حالا باید از راه‌کارهای برخورد مناسب در این شرایط بنویسیم؛ حضور افراد آموزش ندیده در منطقه بحران باعث آسیب‌دیدگی بیشتر مصدومین می‌شود و خسارات جانی ناشی از زلزله را افزایش می‌دهد. اگر آموزش‌های لازم را ندیده‌اید، به مناطق زلزله‌زده نروید. نکته دیگر اینکه حتی یک تکه کوچک هم‌ممکن است باری از دوش یک فرد گرفتار بر دارد؛ پتوی سالم، لوازم گرمایشی، چادر، کسرو، آب معدنی، لوازم بهداشتی، داروهای ضروری و وسایل نوزاد لیست اعلامی است که می‌توانید آنها را به هلال احمر تحویل دهید تا مسوولان مربوطه به مناطق حادثه‌زده برسانند.

شلیک از فاصله نزدیک

در سوگ عقل



سیدعبدالجواد موسوی

اگر قرار باشد این حکم حکیمانانه، مومن از یک سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود، معیاری برای تمیز مومن از غیر مومن باشد تکلیف همه ما کاملا روشن است. نمونه آشکار و دست به نقدش همین ماجرای زلزله که هر چند وقت یک بار تکرار می‌شود و ما در مواجهه با آن همان هستیم که پیشتر بودیم. نه در اطلاع‌رسانی مان تحولی دیده می‌شود و نه در نحوه کمک‌رسانی مان. سنتی‌های مان کماکان زلزله را بلای آسمانی می‌دانند و به جای مرهم گذاشتن بر زخم‌های مردم بی‌پناه و بی‌گناه آنان را به عبرت گرفتن دعوت می‌کنند. سیاسیون هم از کله سحر دارند دعوا می‌کنند که این مصیبت زیر سر مسکن مهر احمدی‌نژاد بوده یا نبوده. آنها که خوش ذوق ترند شجریان برای این و آن فوروارد می‌کنند و شعر هوشنگ ابتهاج را زمزمه می‌کنند؛ برسان باده که غم روی نمودای ساقی / این شبسچون بلا باز چه بودای ساقی. و ما دوره می‌کنیم روز را و شب را و هنوز از تازلزله بعدی که بازم همین داستان تکرار می‌شود و بازم سیاست بازی و شعر و خوف از گناه می‌شود دستمایه مصیبت جدید. البته هستند آدم‌های باشرقی که فارغ از این ادا و اصول‌ها کمر همت بسته‌اند و همین الان که من دارم این باطل‌بل را تاپ می‌کنم به کمک مردم مصیبت‌زده شتافته‌اند. با آنها که در زمره انادار کلامعموم قرار دارند و ورشک آسمانی‌اند سخن نمی‌گویم. روی سختم با انانی است که در هر شرایطی حتی مصیبت‌های بزرگ اندکی در رفتار و گفتارشان تامل نمی‌کنند و کماکان به فکر شعار دادند. آنهاپی که اصلا چیزی به نام عقل را به رسمیت نمی‌شناسند. در فضای مجازی فیلمی دیده کم که نشان می‌داد کلی آدم رفت‌اند برای کمک به زلزله‌زدگان، منتها مشکل این جا بود که آن آدم‌ها هیچ وسیله‌ای برای اینکه آهن و سیمان و آجر و خاک را جابه‌جا کنند، نداشتند و به همین دلیل دست حسرت به کمک زده بودند و آه و ناله‌های مصیبت‌زدگان را تماشا می‌کردند. حتی دستکشی معمولی در اختیارشان نبود که بتوانند به مضاف آن همه آواز بزنند. مسوول این وضعیت رفت‌بار و احمقانه کیست؟ پس این همه ستاد حوادث غیر مترقبه و مانور زلزله و این حرف‌ها برای چیست؟ نمی‌دانم به سوگ مردم داغ‌دیده باید نشست یا به سوگ عقلی که مدت‌هاست از خانه وجود ما رخت برنگسته؟

در همین حوالی

فر داسالمرگ رهی معیری است

شد خزان گلشن آشنایی



سهیل محمودی

زنده‌یاد رهی معیری و دوست و همراهِش شادروان استاد امیری فیروزکوهی، نیما را و پیشنده‌های او را نپذیرفته بودند و هیچ‌گونه تعلق خاطری به آنچه از دنیای نیما و شاگردانش می‌شناسیم، نداشتند. این درست برخلاف شیوای بود که شهریار، دیگر غزلسرای هم‌نسِل آنان پیش گرفت و شعر خود را از پیشنده‌های نیما بیگانه‌ن ساخت و با آن حال و هوا به سخن خویش غنا بخشید. رهی، شعر امروز و ادبیات مدرن را نتوانست بپذیرد. در همان حوزه سنت شعر فارسی ماند اما کاری کرد کارستان. او توانست با ذوق و خلاقیت خویش در متن سنت، به نوآوری دست بزند. مانند کاری که شاعر پیشکسوت، او، البته با نگاهی اجتماعی، سیاسی و عمیق‌تر، ملک‌الشعرا ی‌بهار در حوزه شعر فارسی انجام داده بود. بهار قصیده‌سر او ادب و رهی غزل‌پراز و نکته‌سنج توفیق‌شان در خلاقیت تغییر در قلب و بطن سنت بود. غزل‌رهی را می‌توان یکی از ابرومندانه‌ترین نمونه‌های غزل فارسی به اسلوب پیشینیان در روزگار ما دانست. او ظرایف زبان شعرش را از سنت غزل سعیدی اموخت و مضمون‌گرایی و تصویرگرایی را از شیوه غزل صائب‌این پیوند هوشمندانه و هنر تلیق همراه با ذوق و خلاقیت رهی از او چهره‌ای متفاوت ساخت همان‌گونه که تصنیف‌های رهی آوازهای بسیار برای او پدید آورد. تا به حال تصنیف‌های رهی، موفق‌ترین نوع کلام بر مبنای ملودی‌های ایرانی بوده‌است. رهی به خوبی و با هوشمندی و هنرمندی توانست صمیمیت ترانه و تصنیف را با جوهر شعر در آثار چشمگیرش در حوزه ادبیات موسیقی پیوند بزند. تصنیف‌های رهی، شعر ترن تصنیف‌هایی هستند که با موسیقی ملی ما در آمیخته و گره خورده‌است. بیاییم لحظاتی تصور کنیم که آن همه ملودی‌ها و آهنگ‌های جاودانه و بی‌ظنیر هنرمندانی چون شادروان سیدجواد بدیع‌زاده، مرتضی مصحوبی، روح‌الله خالقی، حسن یاحقی و علی تجویدی و… بدون کلام روی آرا به شده بود. این تصور ما را فضایی تهی روبه‌رو می‌سازد. یعنی اینکه حافظه شنیداری و موسیقی هشتاد سال اخیر ما، سرشار از کلام دانشین و اثرگذار رهی معیری است. این برای یک شاعر، موهبت بزرگی است که چند نسل با تصنیف‌های او زندگی و عاشقی که باشد.

تخته سیاه

خورشید غمگین سر زد

تختی اسحر شد، بر خیز صبح از کران سر بر زد
باز این فلک می‌چرخد باز این زمین می‌لرزد
در سکر رویا راهی تا گور تو طی کردم
بر خوابگاهت دستم، انگشت غم بر در زد
برخیز این مردم را راهی به کارستان کن
وقت سفر شد آنگ خورشید غمگین سر زد
ای تختیان بر خیزید با روح تختی همدل
وقتی هزاران کودک در خون خود پر پر زد
سیمین بهیمنی‌ها

تیتیر مصور | قلب ایران عزادار است

جواد تکجو



تخته سیاه

دوئل آوار و سرما در کرمانشاه

امروز نه دمای هوای پایتخت مساله مهمی است و نه نرخ زنده دلار و یورو معنایی دارد. استان‌های غربی کشور با عواقب زلزله ۷/۴ ریشتری که در نوار مرزی عراق و ایران رخ داده دست و پنجه نرم می‌کنند و کمک‌ها از هر سویی روانه شد. سنگتوی سازمان مدیریت بحران از پرکندگی شدید روستاهایی که درگیر حادثه شده‌اند خبر می‌دهدومی‌گوید: «میزان خسارت بالاست و عملیات همچنان ادامه دارد.»
معاون درمان وزارت بهداشت هم خبر می‌دهد که تعداد زیادی از مصدومین به تهران منتقل شده‌اند و با همکاری معاونت اجتماعی برای اسکان آنها تمهیداتی اندیشیده شده است. دمای هوای استان کرمانشاه در روز ۲۱ درجه سانتیگراد و شب به ۳ درجه خواهد رسید و زلزله‌زدگان بی‌خانمان، حالا برای نخستین بار سرمای پاییزی را حس می‌کنند.

تخته سیاه
<div><div> </div>Info@etemadnewspaper.ir</div>
<div><div> </div>www.etemadnewspaper.ir</div>
<div><div> </div>آیین نامه اخلاقی حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید</div>
<div><div> </div>■ صاحب امتیاز و مدبر مسوول: الیاس حضرتی</div>
<div><div> </div>■ جانشین مدبر مسوول و رئیس شورای سیاست‌گذاری: بهروز بهزادی</div>
<div><div> </div>■ سردبیر: سیدعلی میرفتاح</div>
<div><div> </div>■ معاون اجرایی: محبت طهماسبی</div>
<div><div> </div>■ مشاور مدبر مسوول: محمد حضرتی</div>
<div><div> </div>■ رئیس سازمان آگهی‌ها: علی حضرتی</div>
<div><div> </div>■ نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کورن دو، پست مینو</div>
<div><div> </div>■ تلفن خانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ – ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ شماره: ۶۶۱۲۴۰۲۱</div>
<div><div> </div>■ توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰</div>
<div><div> </div>■ چاپ: نشر روزتاب ■ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶</div>

زیردره‌بین

مطبوعات در صبح دوشنبه و گزارش زلزله به مخاطب

بی تفاوت رد نشویم

صبح روز دوشنبه و پس از نیمه‌شبسی که زلزله کرمانشاه رخ داد از میان هفت روزنامه‌ای که روی پیشخوان دیدم، دو روزنامه «شرق» و «همشپری» به این حادثه توجه کرده بودند. روزنامه همشپری زنده: «زلزله خاورمیانه را لرزاند» که به گمانم این چنین نیست و زلزله فقط در ایران و عراق اتفاق افتاده. با این حال واکنش سریع «همشپری» در برابر چنین رویدادی قابل تقدیر است. روزنامه «شرق» که هم در چاپ دوم با تیتیر «زلزله عراق ایران را لرزاند» به این مصیبت تاریخی که هرچند سال یک‌بار سراغ ایران می‌آید واکنش نشان داده‌است. البته به نظر می‌رسد این روزنامه مجال لازم را برای پیگیری کانون واقعی زلزله نداشته، اما این حال اقدام «شرق» قابل احترام است. آن‌هم در شرایطی که روزنامه وزین «جام‌جم» که متعلق به صدا و سیما است، در صفحه اول خود حرفی از این رویداد و زلزله ویرانگر نزده‌است. تیتیر اول جام‌جم «زیر پرتر برای نقش‌های سعودی» است. اینجا است که اول سوال پیش می‌آید که آیا کارکرد «جام‌جم» به مثابه رفتار خود صدا و سیماست که معمولاً در قبال رویدادهای غیر قابل پیش‌بینی غافلگیر می‌شود و هیچ تدبیر، ظرفیت و امکان و ماموریتی خودش ندارد در بزنگاه بحران‌ها به عنوان «رسانه ملی» اطلاع‌رسانی جامع کند؟ یا پنج روزنامه دیگر هم شبیه «جام‌جم»، تیتیری دربار زلزله ندارند. در میان این روزنامه‌ها «دنیای اقتصاد» که جدی‌ترین روزنامه اقتصادی است سعد حریری را ادیبی‌تر دیده و «هفت‌صبح» هم که معمولاً در این مواقع واکنش به‌هنگام دارد، از این حادثه گذشته است؛ اتفاقی که از عجب دوران انتشار این روزنامه مستقل و حرفه‌ای است. روزنامه «جوان» هم که معمولاً درباره رویدادهای بی‌اهمیت تر فعال است، پرداخت به خبر زلزله را ضروری ندانسته است. «اطلاعات» به جز تیتیرک خود، ۱۳ تیتیر در نیم‌تای اول دارد. اما در این ۱۳ تیتیر هم جای پا و اثری از ترک در غرب ایران نیست. آخرین روزنامه هم، روزنامه «ایران» است. روزنامه دولت که انتظار می‌رفت با موضوع و پدیده ناگهانی و ویرانگر زلزله برخورد جدی و معناداری داشته باشد، اما متأسفانه این روزنامه هم خالی از حادثه‌های است که یک‌شنبه شب پهنه وسیعی از ایران را تکان داد. قابل تاسف است که در این شرایط و زمانی که اکثریت اهالی دولت درگیر مدیریت این بحران شده‌اند هم‌کاران ارجمند و معزز در «ایران»، نتوانستند با نتوانستند این موضوع مهم را ببینند. در مجموع و با توجه به واکنش‌های رسانه‌های مکتوب، به خصوص «ایران» و «جام‌جم» که رسانه‌هایی رسمی و پر تیراژتر به حساب می‌آیند، عجیب نیست که مخاطب ایرانی مدت‌هاست که فضای مجازی را به عنوان سبزه‌یاری برای جست‌وجو و به دست آوردن اطلاعات انتخاب کرده‌است. روزنامه‌نگاران ایرانی باید در این موقعیت‌ها و بحران‌ها گزارا شگر باشند، تحلیل و ارزیابی کنند و دامنه وسیعی از اطلاعات و دانش را در اختیار مخاطب کنج‌گرافز دهند اما مخاطب به فعالیت‌های آنها در چنین موقعیت‌هایی اعتماد کند و سرانه مطالعه رسانه که یکی از شاخص‌های توسعه پایدار است بالا برود.

به روایت دیگر

زلزله کرمانشاه و زیرویم‌های کمک و همراهی با هموطنان آسیب‌دیده با مهتاب کرامتی

هر قدمی نجات‌دهنده است

نازنین متین‌نیا

زیباترین و غمگین‌ترین نگاه را دارد؛ دخترک صورتی‌پوشی که عکسش در کانال‌های تلگرام دست به دست می‌شود و دنبال پدر و مادرش است. اهل سرپل ذهاب است و در بیمارستان بیستون بستری. بعد از زلزله پدر و مادرش را گم کرده و حالا مردم عکسش را دست به دست می‌کنند تا شاید کسی او را بشناسد و خوشبخواندی سراغش را بگیرد. می‌گویند نامش مروه احمدی است و تا زمانی که آمارها کامل نشده کسی نمی‌داند که چند دخترک و پسرک شبیه به او، غمگین و دل‌واپس و تنها مانده‌اند. دل‌نگرانی برای مروه و کودکان غرب ایران، بخشی از غم و اضطراب بزرگ حادثه نیمه‌شب کشنده است. دل‌نگرانی که به گفته مهتاب کرامتی، سفیر یونیسف و فعال حوزه کودکان، کاملاً بجا و درست است. کودکان و سالمندان در فاجعه‌های به این بزرگی، بیشتر از دیگران به کمک نیازمند هستند اما در روزهای اولیه، آنقدر حجم مشکلات و مصیبت و نیاز به کمک بالا است که دیگر سن و سال و جنسیت‌اهمیتی ندارد و نجات انسان در درجه اول قرار می‌گیرد. کرامتی در شرایطی که منتظر اعلام نتیجه جلسه یونیسف برای کمک به حادثه‌دیدگان زلزله کرمانشاه است با تاکید به این نیاز و توجه به کودکان و سالمندان صحبت‌هایش را شروع می‌کند تا آنچه در ادامه می‌خوانید، پیشنهادهایی باشد برای همراهی و همدلی با هموطنانی که در غرب این سرزمین با فاجعه دست و پنجه نرم می‌کنند.

چه کسانی بیشتر از همه در معرض آسیب هستند؟ واقعیت این است که در ساعت‌های اولیه فاجعه‌های این چنینی، سن و سال و جنسیت اهمیت چندانی ندارد همه اهالی محله در معرض آسیب هستند. حادثه رخ داده و در این شرایط باید به همه کمک کرد. در مرحله اول، فاجعه انسانی است و همه به کمک نیاز دارند. خسارت‌های مالی، جانی و عاطفی به همه وارد شده و کمک‌ها باید سریع و بدون معطلی به حادثه‌دیدگان برسد. در ساعت‌های اولیه فقط باید به نجات جان انسان‌ها فکر کنیم و خدمات پزشکی و اورژانسی که اگر دیر برسند، ممکن است فاجعه را با تلفات

هشتک روز
زلزله شوخی نیست، شوخی هم ندارد
صدف قاطمی

تصویر، خانه‌ای را نشان می‌دهد که دیوارهایش آوار شده و چند بادکنک از سقف خانه که حالا عریان است، آویزان مانده شب ۲۱ آبان ماه، یقن نفر در این خانه به دنیا آمده و درست در همان لحظاتی که شمع قوت‌شدن یا کادوها باز زلزله جان‌اهالی خانه ازناهنه گرفته‌است. دیوارها پایین می‌ریزند و از آن خانه، تنها چند بادکنک آویزان به سقف باقی می‌ماند و یک‌نفر که در شب ۲۱ آبان به دنیا آمده بود. حالا زنده‌است؟ نمی‌دانیم. دیگر اعضای خانه جان دارند؟ نمی‌دانیم. تولد ناتمام مانده و از آن خانه تنها یک خط خبر آمده‌است: «زلزله‌ای با شدت ۷/۳ ریشتر غرب کشور، مرز ایران و عراق و چند استان از جمله کرمانشاه را لرزاند

تخته سیاه
<div><div> </div>info@etemadnewspaper.ir</div>
<div><div> </div>www.etemadnewspaper.ir</div>
<div><div> </div>آیین نامه اخلاقی حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید</div>
<div><div> </div>■ صاحب امتیاز و مدبر مسوول: الیاس حضرتی</div>
<div><div> </div>■ جانشین مدبر مسوول و رئیس شورای سیاست‌گذاری: بهروز بهزادی</div>
<div><div> </div>■ سردبیر: سیدعلی میرفتاح</div>
<div><div> </div>■ معاون اجرایی: محبت طهماسبی</div>
<div><div> </div>■ مشاور مدبر مسوول: محمد حضرتی</div>
<div><div> </div>■ رئیس سازمان آگهی‌ها: علی حضرتی</div>
<div><div> </div>■ نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کورن دو، پست مینو</div>
<div><div> </div>■ تلفن خانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ – ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ شماره: ۶۶۱۲۴۰۲۱</div>
<div><div> </div>■ توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰</div>
<div><div> </div>■ چاپ: نشر روزتاب ■ تلفن: ۴۴۵۴۵۰۷۶</div>

زیردره‌بین

کرگدن نامه

همدلی و دیگر هیچ

زلزله پریش کام همه‌مان را تلخ کرد. نشستہ بودیم شوی تلویزیونی سعد حریری را می‌دیدیم و برای حال و روز تاسف‌بارش دل می‌سوزانیدیم که خبر زلزله آمد. زلزله‌ها تا من خاطر م هست، سسهم و هبیت‌شان با تاخیر می‌رسد. اولش خبرهایی می‌رسد که عمق روح ندارند. اطلاعات فنی‌اند، «داده‌اند، عدد و رقم‌ها مرکز زلزله‌شناسی‌اند. ما بسته به سابقه و تجربه چیزهای مبهمی از این «داده‌های فنی» استنباط می‌کنیم اما تا عکس آوار و بغض و بهت زلزله‌زدگان را نبینیم، تا ضجه‌های بازماندگان را نشنویم حساب کار دست‌مان نمی‌آید. گفتند مرکز زلزله، عراق بوده‌است.

لمر بز؛ سلیمانیه. اما لاک‌دار تا اصفهان را لرزاند؛ حتی بیشتر و عمیق‌تر. همکارانم سریع دست به کار شدند و از این طرف و آن طرف پرس و جو کردند. نیم ساعت بعد، چیزی که روی سر ما آوار شد اخشار ضد و نقیضی بود که رسمی و غیر رسمی می‌رسید؛ یکی گفت چیزی نیست؛ خسارت زیادی وارد نشده؛ کسی نمرده؛ خانه‌ای خراب نشده؛ همین فقط برق رفته و مردم طفلی‌ها ترسیدند و به خیابان ریخته‌اند. حتی اهوازی‌ها هم آمده بودند توی خیابان… اما از آن طرف – یکی که می‌گفت شاهد عینی است – خبرهایی داد که پشت‌مان را لرزاند… یا خدش تلگرام را باز کردم دیدم ملت هنوز سر کیفند و دارند شوخی می‌سازند. زلزله را با خبرهای دیگر درمی‌آمیزند و برای مقامات سیاسی مضمون کوک می‌کنند. نفردن می‌هم اما پیدا بود ملتغف عمق فاجعه شده‌اند و برای ارسال هر خبری دست و دل‌شان می‌لرزد. بلابای طبیعی تلخ‌شان دوچندان است. یک تلخ‌شان از این بابت است که «بلا» هستند و این مواقع واکنش به‌هنگام دارد. اداغدار می‌کنند.

از گذشتن این همه سال هنوز داغ زلزله کرمان و آذربایجان سرد نشده. به آن صخاتا بروید و با بازماندگان که حرف بزیند می‌بینید کماکان داغ‌شان تازه‌است. مگر می‌شود به کسی که با دست خودش عزیزانش را از زیر آوار بیرون کشیده بگوید «فراموش کن»؟ بعضی مصیبت‌ها آنقدر سنگینند که حتی وقتی دوره‌شان سر می‌آید و سپری می‌شوند، ردشان می‌ماند. عین جای زخم می‌آیند. روی دل می‌ماند و دردی جانکاه را یادآوری می‌کند. اما بلابای طبیعی یک تلخی صعب‌تر و سخت‌تر هم دارند.

تلخی مضاعف بلابای طبیعی به این جهت است که آدمیزاد با همه وجود، حقارت‌ش را در برابر طبیعت درمی‌یابد. خدا نکند که طبیعت خشم بگیرد و با ما به ستیزه بر خیزد. ما هر چقدر هم که قوی و زیرک باشیم و مرزهای علم را درنوریده باشیم، کماکان مقهور طبیعتیم و زورمان به سیل و زلزله و بلابای سهمگین نمی‌رسد. قهر طبیعت که آشکار شود، ضعف و ناتوانی ما هم آشکار می‌شود. پرده توهم فرومی‌افتد و ما به عمق جان درمی‌یابیم که موجوداتی قابل‌ترحمیم… اما نه. آدمیزاد زیرک‌تر و هوشیارتر از آن است که مقهور طبیعت شود. او به تجربه دریافته‌است که با همدلی و مؤاسات و رفاقت می‌تواند از پس این بلاها – هر چقدر هم که قوی‌بنجه باشند – بر آید.

متأسفانه تعارف و تشریفات، بعضی کلمات را از معنی تهی کرده‌اند. آنقدر انشاء‌های بی‌خاصیت نوشته‌ایم و تعارف‌های بی‌هزینه‌تکه‌باره کرده‌ایم که عبارت بی‌ظنیر «همدلی» را از معنی تهی کرده‌ایم. ما کلمات را مصرف می‌کنیم و با بی‌مالتی، ارزش و اعتبار کلمات را مخدوش می‌کنیم. اما علی‌رغم اهمال و غفلت مسا، نا‌هما و کلمات قدرتمندند و به اذن خدای متعال تاثیر‌شان را می‌گذارند. کلمات قدرت‌جادویی دارند و در این دنیا کارهایی می‌کنند که حیرتانگیز است. همدلی و مهربانی و برادری و مؤاسات را دست‌کم نگیرید.

اینکه در موقع زلزله، اصفهانی‌ها، کرمانشاهی‌ها را برادر خود بدانند و برای‌شان غمخواری کنند و سا مهر و صمیمیت به کمک آسیب‌دیده‌های قشرشیرین بپنابند، معنی‌اش این است که آدمیزاد به زیرکسی دریافته‌که چطور از پس قهر و غضب طبیعت بر آید. مقاوم‌سازی خانه‌ها، ساماندهی امدها، پیش‌بینی زلزله و کارهایی از این دست همه مهم و حیاتی‌اند. اما مهم‌تر و حیاتی‌تر، وفاقی است که پس از هر بلایی حاصل می‌شود و دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند. وفاقی که اگر چه منشائی عاطفی و هیچانی دارد، اما می‌تواند کارکردی فرهنگی و اجتماعی داشته‌باشد و حتی سباهش بر سر سیاست بیفتد. یک نکته کوچک هم بگویم و رفع زحمت کنم. من با شوخی مخالف نیستم و «شوخی ممنوع» را در هیچ عرصه‌ای نمی‌پذیرم. اما به دوستانم و به کاربران شبکه‌های مجازی، برادرانه توصیه می‌کنم این روزها مراقب شوخی‌های خود باشند و حالا که بسیاری از هموطنان مان داغدار و غمگین‌اند، حواس‌شان باشد چیزی به طنز و طعنه نگویند که نمک بر زخم آسیب‌دیدگان زلزله بپاشند.

زله‌زلزله
یک قناری یک کلاغ
نویسنده و کارگردان: اصغر عبداللہی
با بازی: هنگامه قاضیانی حبیب‌رضایی
تهیه‌کننده: علی‌حضرتی

وضعیت در نیمه‌شب حادثه خیلی مشخص نبود اما با طلوع خورشید بیشتر در مورد کشته‌شده‌ها و افراد زخمی اطلاعات به دست آمد. در صورت نیاز سازمان ملل آماده همکاری است. کاربری نوشته: «مرکز زلزله حلجچه بوده و زمین‌لرزه در عراق شدت بیشتری داشته‌اما در ایران آمار کشته‌ها ۶۰ برابر است» و در نهایت کاربر دیگری با انتشار تصویری از مردم زلزله‌زده نوشته: «کر بلا این جاست. زلزله زده‌ها موکب می‌خواهند. آنگ غذا و امداد می‌خواهند.» همه این توییت‌ها در حالی دست به دست می‌شوند که رئیس مرکز لرزه‌نگاری خبر می‌دهد پس‌لرزه‌ها همچنان ادامه دارند و در سرخط خبرهایی می‌خوانیم هنوز از حجم ویرانی و تعداد کشته‌شدگان روستاهای اطراف خبری در دست نیست.